

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرشید واحدیان
۰۶ مارچ ۲۰۲۳

برشت، مکتب فرانکفورت و نمایشنامه توران دخت

یکی از درون‌مایه‌های اصلی آثار برتولت برشت، موضوع موقعیت روشنفکران به عنوان بخش آگاه جامعه در رویارویی با نظام ناعادلانه مسلط است. زندگی گالیله، مشهورترین نمایشنامه برشت در این باب، درگیری پیچیده عالمی هوشمند را با مقامات کلیسا، و نمایندگان بورژوازی نورس تحلیل می‌کند.^۱ آشنائی او با روشنفکرانی که بعداً به عنوان اعضای "مکتب فرانکفورت" شناخته شدند، به دوران المان قبل از جنگ و قبل از به قدرت رسیدن نازی‌ها برمی‌گردد. با به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در المان شرایط برای روشنفکران چپ‌گرا روز به روز دشوارتر شد و بخش عظیمی از آنها به کشورهای دیگر پناهنده شدند. هورکهایمر، آدورنو، مارکوزه و بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران مکتب فرانکفورت مشابه برشت در نهایت به امریکا پناهنده شدند. از این منظر برشت همیشه از فاصله‌ای نه چندان دور شاهد فعالیت‌های این گروه بود.



برشت از موضعی انقلابی از مؤسسه تحقیقات اجتماعی (فرانکفورت) به شدت انتقاد می‌کرد و سردمداران آن را توجیه‌گران سرمایه‌داری می‌نامید. روشنفکران حقوق‌بگیر طبقه سرمایه‌دار که بر روی واقعیات سرپوش می‌گذاشتند و با مهارت عوارض ویرانگر کاملاً آشکار نظام سرمایه‌داری را پنهان می‌کردند. برشت در اشاره به فعالیت مدیران مؤسسه تحقیقات اجتماعی فرانکفورت در ایالات متحده، آنها را خودفروشانی می‌نامید که با هدف تأمین مالی خود و مؤسسه‌شان، مهارت‌ها و دانش خود را در حمایت از ایدئولوژی سرکوبگر حاکم در ایالات متحده به عنوان کالا به معرض فروش گذاشته‌اند.

او در یادداشت‌های شخصی خود^۲ در ۱۹۴۲ چنین نوشت: "[این] مکتب فرانکفورتی‌ها معدن طلای موضوع داستان‌های "توئی" من هستند (توضیح این اصطلاح در ادامه خواهد آمد)". او در بخش دیگری از یادداشت‌های خود درباره‌ی رؤسای این مؤسسه می‌نویسد: "... آنها انقلابیونی محفلی هستند که روی مبل‌ها لم می‌دهند و در مورد دارائی‌ها و

بودجه مؤسسه خود لودگی می‌کنند... هورکهایمر برای پنهان کردن فعالیت‌های "انقلابی" خود ناچار شده که در هر دانشگاه [امریکا] یک کرسی اختصاصی برای خود دست و پا نماید...^۳

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های نقد برشت از روشنفکران قماش مکتب فرانکفورت را می‌توان در آخرین نمایشنامه وی به نام "توران‌دخت یا کنگره توجیه‌گران"^۴ مشاهده کرد. اما متأسفانه مرگ زود هنگام، امکان به صحنه بردن این نمایش توسط گروه تئاتری برلینز آنسابل را به او نداد. برشت ایده اصلی این نمایشنامه را از دهه ۱۹۳۰، در آلمان در ذهن داشت و درباره آن با والتر بنیامین سخن گفته بود. زمانی که برشت در آمریکا اقامت داشت، همچنان طرحی از این نمایشنامه در ذهنش بود. اما آشنائی‌اش با فرهنگ مسلط جامعه آمریکا، وی را به این نتیجه رساند که طنز این نمایش توسط بینندگان امریکائی چندان درک نخواهد شد. او که روزها برای امرار معاش مرتب به شرکت‌های فلم‌سازی هالیوود می‌رفت تا بلکه موفق به فروش فیلمنامه‌ای بشود و شکم خود را سیر کند، در شعری می‌گوید:



هر بامداد، از پی روزی

به بازار می‌روم

آنجا دروغ می‌خرند،

و من امیدوار

خود را در صف فروشندگان

جای می‌دهم.^۵

برشت در این نمایشنامه، برای نامیدن این گروه روشنفکران، که به عنوان سوژه‌های یک فرهنگ کالائی شده، همه چیز را وارونه نشان می‌دهند، نو واژه "توئی" (Tui) را اختراع می‌کند که ساخته شده از اجزای وارونه کلمه انتلکتوئل (Tellect-Ual-In) است.

در طول نمایشنامه، توئی‌ها به عنوان توجیه‌گرانی حرفه‌ای معرفی می‌شوند که دستمزد هنگفتی دریافت می‌کنند تا واقعیات را به عکس آنچه هستند جلوه دهند.

برشت در این نمایشنامه انتقادات خود از این گروه روشنفکران را با لحنی طنزآلود بیان می‌کند. در توران‌دخت ارجاعات بسیار صریح و روشنی به مؤسسه تحقیقات اجتماعی فرانکفورت و "کنگره برای آزادی فرهنگی" وجود دارد. به قولی شخصیت "مون-کادو" در نمایشنامه درست از شخصیت "آدورنو" گرت‌برداری شده است. مدرسه توئی‌ها تمثیلیست از انستیتوت فرانکفورت. در یکی از درخشان‌ترین بخش‌های نمایشنامه، ایدئولوژی آموزشی مدرسه توئی‌ها با طنز در سؤال و جوابی میان یک معلم و شاگرد چنین تعریف می‌شود:

"معلم: سی-فو مسایل اساسی فلسفه را برای ما بیان کن.

سی-فو: آیا اشیا خارج از ما، قائم به خویش، و مستقل از ما هستند، و یا آن که آنها در ما، و به ما وابسته‌اند؟

معلم: کدام عقیده درست است؟

سی-فو: هنوز حکم قطعی صادر نشده است.

معلم: اکثریت فلاسفه ما آخرین بار به کدام عقیده متمایل شدند؟

سی-فو: اشیا خارج از ما، مربوط به خود بوده و قائم به ما نیستند.

معلم: چرا مساله حل نشده باقی مانده است؟

سی-فو: کنگره که باید حکم قطعی در این باره صادر می‌کرد، مانند دویست سال پیش به این طرف در دیر "می-سانگ" که در کنار رود زرد قرار دارد تشکیل یافت. مساله این بود که آیا رود زرد واقعیت دارد، یا فقط ساخته ذهن

ماست؟ اما در همان زمان تشکیل کنگره، رود زرد طغیان کرد و آب بالا آمد، سیل سهمناکی به طرف دیر سرازیر شد و دیر "می-سانگ" با تمام اعضای کنگره در آب غرق شدند. بدین ترتیب اقامه دلیلی برای آن که اشیاء، خارج از ما، قائم به خود و مستقل از ما هستند، به ما نرسید."

در این مدرسه توجیه‌گران آینده نظام حاکم، یعنی نسل جدید توئی را تربیت می‌کنند. "سن" یکی از مدرسین، پیش از ارائه خلاصه‌ای از نظریه "هر چیز به جز سوسیالیسم"، یعنی اساسنامه اصلی مدرسه، می‌گوید: "کل کشور با بی‌عدالتی اداره می‌شود و آنچه شما در این مدرسه می‌آموزید توجیه این بی‌عدالتی است". آموزش‌های مؤسسه تحقیقات اجتماعی درست مانند مکتب توئی، به ما می‌گوید که هیچ جایگزینی برای نظم مسلط وجود ندارد و در نتیجه تغییر نظام ناممکن است.

کنگره توئی‌ها در این نمایشنامه تمثیلی از "کنگره برای آزادی فرهنگی"، متشکل از روشنفکران ضدکمونیست غربی و نیز متخصصان مکتب فرانکفورت است که با هدف مبارزه با ایده‌های انقلابی چپ و کشورهای سوسیالیستی توسط سازمان "سیا" تأسیس شده بود. تقابل چشمگیر روشنفکران متعهد با این جماعت خودفروخته را، در مسیری که آنها در بازگشت از امریکا در پیش گرفتند می‌توان مشاهده کرد. برشت پس از جنگ جهانی دوم، خلاف محققان مکتب فرانکفورت که با صلاحدید مقامات سیا و بودجه طبقه حاکم سرمایه‌دار در آلمان غربی ساکن شدند، برای مشارکت در ساختمان سوسیالیسم به جمهوری دموکراتیک آلمان رفت.

در یکی از چشمگیرترین صحنه‌ها، درست زمانی که دهقانان بی‌چیز به رهبری "کای هو" (شخصیتی شبیه مائوتسه تونگ رهبر انقلاب چین) در روستاها طغیان کرده‌اند، توئی‌ها در حال تمرین برای اجلاس کنگره سفیدشویان هستند. "نوشان"، یکی از مدرسان آکادمی، چرخ و طنابی سرهم کرده که می‌تواند یک سبد نان را جلوی دهان گوینده بالا و پائین ببرد. نوشان هنگام آموزش به مرد جوانی به نام "شی‌من" برای تبدیل شدن به توئی، به او می‌گوید که درباره این که "چرا موضع کای هو [درباره فلان مسأله] نادرست است" صحبت کند. نوشان توضیح می‌دهد که وقتی کارآموز چیزی اشتباه بگوید، سبد نان بالا می‌رود و وقتی درست بگوید سبد در جلوی صورتش قرار می‌گیرد. پس از بالا و پائین بردن‌های فراوان سبد نان، شی‌من مهارت بیشتری در تطابق با ایدئولوژی مسلط پیدا می‌کند و به مرور استدلال‌های او تا حد تهمت‌های ضدکمونیستی و عاری از دلایل منطقی اوج می‌گیرد: "کای هو اصلاً فیلسوف نیست، او تنها یک بلندگو است." – سبد کاملاً پائین می‌آید – "او یک مزاحم، یک قدرت‌طلب، یک قمارباز غیرمسئول، یک آشغال، یک متجاوز، یک کافر، یک راهزن، یک جنایتکار و یک ظالم است!" در این لحظه سبد نان درست در جلوی دهان گوینده قرار می‌گیرد. این صحنه، تمثیلی است تلخ از رابطه میان روشنفکران حرفه‌ای و حامیان مالی آنها در جوامع طبقاتی: اولی در مقام عامل آزاد و مستقل دانشگاهی، نان خود را از طریق اشاعه بهترین ایدئولوژی توجیه‌گر دومی به دست می‌آورد.^۷

برشت در تشریح کردار توئی‌ها می‌گوید:

"در جدال بین ثروت و فرهنگ، توئی‌های موفق جانب فرهنگ را می‌گیرند، اما زیرکانه با ثروت هم مخالفتی ندارند و شعارشان این است: هم ثروت و هم فرهنگ... یعنی این دو را با هم پیوند می‌دهند. مدرسه توئی‌ها، مدیران فروش بیرون می‌دهد، مدیرانی که خوب می‌دانند اعداد و عناوین در کدام جعبه قرار دارد و کاربردشان چیست... توئی‌ها با شدت از فرهنگ دفاع می‌کنند، اما فرهنگی که بر ثروت استوار است."^۸

نکته قابل توجه در اکثر نقدهای منتقدان غربی از این نمایشنامه تا به امروز، عدم وجود اشاره‌ای هرچند گذرا است به ارجاع‌های بسیار صریح و روشن نمایشنامه به "مؤسسه تحقیقات اجتماعی فرانکفورت"، و نیز شباهت‌های آشکار

"کنگره توجیه‌گران" با "کنگره برای آزادی فرهنگی" است. کنگره‌ای که رؤسای مؤسسه نقش چشمگیری در شکل‌گیری و اشاعه آن داشتند. همان طور که اشاره شد برشت نوشتن این نمایشنامه را از سال‌های ۱۹۳۰ شروع کرد. به همین دلیل اشارات گذرائی در نمایشنامه به اختلافات میان سوسیال دموکرات‌ها و کمونیست‌ها وجود دارد^۱. نقادان غربی درست با استفاده از همین اشارات و با تکیه بر آنها، کنگره توجیه‌گران را نمادی می‌دانند از کنگره دوم "دفاع از آزادی" سال ۱۹۳۵ در پاریس. این کنگره به عنوان اقدامی در جهت تشکیل جبهه متحد خلق، درست در بحبوحه جنگ داخلی اسپانیا، برای دفاع از آزادی هنر و فرهنگ در مقابل تهاجم نیروهای فاشیست برگزار شد. برشت به همراه بسیاری از نویسندگان و هنرمندان در این کنگره شرکت داشت. اختلافات عقیدتی میان شرکت‌کنندگان و بحث‌های طولانی و بیهوده موجب شد که این کنگره نتواند به اهداف تعیین‌شده‌اش دست یابد. این منتقدان حتی با وجود اشارات صریح نمایشنامه به هیتلر در قالب شخصیت "گوگر-گوک"، او را تمثیلی از شخصیت ستالین و یا مائو قلمداد کرده‌اند. (از جمله مراجعه شود به مقدمه رضا کرم رضائی بر نمایشنامه)

مثلاً ادوارد کمپ، رئیس آکادمی سلطنتی تئاتر بریتانیا، که اقتباس و اجرای جدیدی از توران‌دخت را در سپتامبر ۲۰۰۸ به روی صحنه آورد، طی مقاله‌ای در روزنامه "مترقی" گاردین چنین تحلیل نادرستی را از نمایشنامه ارائه می‌دهد^۱: "... برشت کلمه توئی را برای اطلاق به روشنفکران چپ‌گرائی به‌کار گرفت که درست در زمانی که هیتلر با بی‌رحمی در کار تحکیم قدرت خود بود، به دور هم جمع می‌شدند و با بحث‌های بی‌پایان تنها وقت می‌گذرانند. کنگره برای دفاع از آزادی که در سال ۱۹۳۵ با حضور برشت، هاینریش مان، ای-ام فاستر، آندره ژید و ... برگزار شد، الهام بخش "کنگره پاکسوران" یعنی موضوع مرکزی و عنوان فرعی نمایشنامه شد...". در این مقاله کمپ - دانسته و یا نادانسته - کنگره توئی‌ها در نمایشنامه را اشاره برشت به کنگره برای دفاع از آزادی قلمداد می‌کند. این کارگردان بدون هیچ ارتباط مفهومی با متن نمایشنامه، در آخرین صحنه نمایشنامه تعداد زیادی کتاب سرخ به دست بازیگران می‌دهد تا به قول منتقدی، "مضرات" انقلاب چین را به تماشاگران یادآور شود! در دو ترجمه‌ای هم که از این نمایشنامه به زبان فارسی منتشر شده، مترجمان محترم هیچ کدام به ارجاعات نمایشنامه به مکتب فرانکفورت و یا کنگره برای آزادی فرهنگی اشاره‌ای نکرده‌اند. برشت در مورد توران‌دخت گفته بود: "می‌خواستم در نمایشنامه "زندگی گالیله" طلوع خرد را بیان کنم، و در توران‌دخت غروب خرد را".

۱. زندگی گالیله با مقدمه عبدالرحیم احمدی، انتشارات نیلوفر

2. Weimar in Exile The Antifascist Emigration in Europe and America by JEAN-MICHEL PALMIER. Page 822

۳. در ایران دو ترجمه از این نمایشنامه منتشر شده است:

مترجم نشر اول رضا کرم رضائی است با عنوان "توران‌دخت یا کنگره پاکسوران"، (انتشارات ققنوس. ۱۳۵۶) با مقدمه‌ای که از نوشته‌های منتقدان ضد چپ غربی کپی‌برداری شده است. نشر دوم با عنوان "توران‌دخت، کنگره توجیه‌گرها" ترجمه محمود حسینی‌زاد با همکاری نصرت‌اله رستگار (نشر بان. ۱۳۹۷) است. در این نوشته از ترجمه اول برای نقل قسمت‌هایی از متن نمایشنامه استفاده شده است.

4. Weimar in Exile..., Page 571

۵. من برتولت برشت، ترجمه بهروز مشیری

6. Anything But Socialism (ABS)

<https://mronline.org/2022/07/06/the-cia-the-frankfurt-schools-anti-7>. Gabriel Rockhill:
[communism/](https://mronline.org/2022/07/06/the-cia-the-frankfurt-schools-anti-7)

https://jor.ut.ac.ir/article_52051.html8.

۹. رجوع کنید به صحنه حضور رهبران دو اتحادیه لباس دوزها – با دو میلیون عضو- و اتحادیه بی‌لباس‌ها با چهارده میلیون عضو در دربار. اختلاف میان آنها در حضور خاقان، به مجادله انجامیده و در آخر کتاب‌هایی از "کامه" را برسر یکدیگر می‌کوبند...

<https://www.theguardian.com/stage/2008/sep/09/theatre210>.

دانش و امید شماره ۱۶، اسفند- حوت- ۱۴۰۱